



فارسی

5+

Persian

داستانهای ما

# The Stories of Us



داستان فاطمه

A story by Fatima

به دپارتمان ایمجینری افرز خوش آمدید.

ما به دنبال داستانهای کانادایی ها از ساحل تا ساحل تا ساحل هستیم و آنها را جمع آوری میکنیم و به اشتراک میگذاریم. هر داستان به ما کمک می کند بیشتر در مورد افرادی که در کانادا زندگی می کنند یاد بگیریم.

در طی پروژه هایمان، ما این داستانها را به امید ایجاد جامعه ای متشکل از خدمات عمومی، سیاستها، و شهروندانی همدل به اشتراک میگذاریم. داستانها نقش کلیدی در به چالش کشیدن تصورات نادرست، پرورش و ترویج خلاقیت، و به گوش رساندن صدای شهروندان دارند.

## داستان های ما

هدف این پروژه ایجاد فرصتی برای شماست که از طریق داستانهای خودتان انگلیسی بیاموزید.

## Welcome to the Department of Imaginary Affairs.

We seek, collect, and share stories of Canadians from coast to coast to coast. Every story helps us learn more about the people who live in Canada.

Through our projects, we share these stories in the hopes of creating a nation of empathetic citizens, public services, and policies. Stories are the key to challenging assumptions, nurturing and fostering creativity, and giving rise to citizen voices.

## The Stories of Us

This project wants to give you a chance to learn English through your own stories.



## من اهل...

من از جایی هستم با آب و هوا، آبشارها و کوه های زیبا.

من از جایی هستم که به زبان دری و پشتو صحبت می کنیم.

من از مردمی هستم که چشمان قهوه ای، موهای بلند و پوستی به رنگ قهوه ای روشن دارند.

من از جایی هستم با مردمی متفاوت از قبیل ازبک، ها زارا و پشتون.

من از جایی هستم که ورزش هایی از قبیل بز کشی، فوتبال و کریکت دارد.

من از جایی هستم که زن ها لباس هایی زیبا از قبیل کمیز و شلوار می پوشند.

من از جایی هستم که کابلی، آشک و بولانی مانتو می خوریم.

من از جایی هستم که فصل هایی زیبا دارد.

من از جایی هستم با مسلمانانی که حضرت محمد را پیروی می کنند.

من از هرات در افغانستان هستم.

## I am from...

I am from a place with beautiful weather, waterfalls, and mountains.

I am from a place where we speak Dari and Pashto.

I am from people that have brown eyes, long black hair, and light brown skin.

I am from different people like Uzbek, Hazara, and Pashton.

I am from a place that has sports like buzkashi, football, and cricket.

I am from a place where women wear beautiful clothes like kameez and salwar.

I am from a place where we eat kaboli, aashak, and bolani manto.

I am from a place that has beautiful seasons.

I am from a place with Muslims who follow the Prophet Muhammad.

I am from Herat, Afghanistan.

## سفر من به کانادا

به خاطر جنگی که در کشورم افغانستان بود خانواده من در سال 2019 تصمیم گرفتند که به کانادا بروند. ما کانادا را انتخاب کردیم چرا که کانادا کشوری زیبا با امکانات بسیار زیادی است. برخی به ما گفتند که نروید و برخی هم برای سلامتی ما دعا کردند. برخی از اعضای فامیل من قبل از اینکه من به کانادا وارد شوم در این کشور زندگی می کردند. قبل از اینکه وارد کانادا شوم، انتظارم این بود که کانادا نیز کشوری شبیه کشور خودم است. به کانادا که وارد شدم متوجه شدم که همه چیز متفاوت بود.

روزهای قبل از ترک پاکستان، برای تهیه چیزهایی که برای سفر نیاز داشتیم به بازار رفتیم. در زمان بستن وسایل سفر، مجبور شدم برخی از لباس های قشنگی که با پوشیدن آنها احساس راحتی می کردم را جا بگذارم. امید من این بود که می توانم زندگی جدیدی در کانادا شروع کنم. هیجان داشتم که اعضای فامیلم را که در کانادا بودند ببینم، از طرفی نگران شروع زندگی در کشوری جدید بودم.

## My journey to Canada

**My family decided to go to Canada in 2019 because there was a war in my country, Afghanistan. We chose Canada because this country is beautiful and has so many facilities. Some people told us not to go and others prayed for our safety. Some of my family was already in Canada before I arrived here. My expectations of Canada before I came here was that it would be the same as my home country. Once I arrived, I saw that everything was different.**

**In the days before leaving Pakistan, I went to the bazaar to buy the things we needed for our journey. When I was packing, I had to leave behind some of my beautiful clothing that I feel very comfortable wearing. My hope was that I could start a new life in Canada. I was excited to see my family that was in Canada but I also feared starting my life in a new country.**

## هفته های اول من در کانادا

در فوریه سال 2019 با خانواده، به تورنتو در کانادا وارد شدیم. هوا بسیار سرد بود و ما در آپارتمان مادر بزرگم اقامت کردیم.

ما از فروشگاه فیروی، ساختمان شهر داری و ساحل بریملی دیدن کردیم. اولین عکسی که گرفتم در ساختمان شهرداری و با عمو، همسرش، خواهرم و برادرم بود.

تا دو روز با خانواده از مترو استفاده می کردیم. یاد گرفتم که از خانه تا کلاس لینک، از اتوبوس استفاده کنم. برای یاد گیری زبان انگلیسی هر روز به کلاس لینک می روم.

غذای جدیدی را امتحان نکردم. فقط در وندی بستنی خوردم که خوب بود ولی شهر خودم بستنی های بهتری درست می کنند. خیلی خوش مزه است.

## My first weeks in Canada

**I arrived in Toronto, Canada with my family in February 2019. The temperature was so cold. We stayed in my grandmother's apartment.**

**We visited Fairway Mall, City Hall, and Brimley Beach. The first photos I took were at City Hall with my uncle, his wife, and my sisters and brother.**

**For two days I took the subway with my family. I have learned to take the bus from home to my LINC class. I go to LINC class to study English every day.**

**I didn't try any new food here. I only ate ice-cream at Wendy's, which was good but my home city makes better ice-cream. It is so yummy.**

## درباره من

چیزهایی که دوست دارم  
دوست دارم که در رابطه با سلامت و پزشکی یاد بگیرم. برای مثال، دوست دارم که یاد بگیرم که مار زدگی را چگونه درمان کنم. دوست دارم در بنیادی کار کنم که به مردم آسیب دیده کمک می کند. دوست دارم که سفر کنم و تاریخچه مکان های مختلف را یاد بگیرم. زمانی که عملکرد من در مدرسه خوب است، قلباً "خوشحال هستم. دوست دارم به طبیعت بروم به مکانهای زیبا مثل دریا.

کارهایی که در انجام آنها مهارت دارم  
من شنونده خوبی هستم. می توانم بفهمم که مردم احساس خوشحالی می کنند یا ناراحت هستند، من در تغییر حال مردم و در اینکه آنها احساس راحتی کنند، مهارت دارم. دوست داشتن، مراقب بودن و احترام به مردم برای من راحت است. در نتیجه همه وبویژه سالمندان دوست دارند که با من دوستی کنند. من همچنین در یاد گیری تاریخ مهارت دارم.

می خواهم درس بخوانم تا میلیونر شوم تا بتوانم به مردم فقیر، یتیم ها و سایر مردم نیاز مند کمک کنم. وقتی آنها خوشحال باشند، خداوند هم خوشحال است.

## About me

### What I love

**I like learning about health and medicine. For example, I would love to learn how to treat snake bites. I would love to work at a foundation that helps people who are hurt. I love to travel and learn about the history of different places. My heart is happy when I do well in school. I love going to nature, including beautiful areas like the sea.**

### What I'm good at

**I am a good listener. I can understand whether people are feeling happy or sad and I am good at making them feel relaxed. It is easy for me to love, care for, and respect people. As a result, everyone wants to become friends with me, especially older people. I am also good at learning history.**

**I want to study and become a millionaire so I can help poor people, orphans, and other people in need. When they are happy, Allah is happy.**

دنیایی که می‌خواهم

دنیا مکان بهتری بود اگر همه در صلح و بدون جنگ و بمب زندگی می‌کردند. می‌خواهم در جامعه‌ای زندگی کنم که همه همدیگر را دوست دارند، جایی که مردم از روی دینشان، یا رنگ پوستشان تعریف نشوند. دوست دارم در جامعه‌ای زندگی کنم که مردم پشت سر همدیگر حرف نزنند و به همدیگر زور نگویند. برای من مهمترین چیز این است که به همدیگر کمک کنیم. زمانیکه می‌شنوم که مردم با همدیگر و بویژه با من بد صحبت می‌کنند، قلبم می‌شکند. می‌خواهم کمک کنم دنیایی بدون جنگ ساخته شود، چرا که این بهترین راه برای ساختن دنیا است.

**The world I want**

**The world would be a better place if everyone lived in peace without war and bombs. I want to live in a society that loves everyone, where people are not defined by their religion or skin colour. I want to live in a society with people who don't talk back to each other or peer pressure each other. For me, the most important thing is that we help each other. My heart breaks when people speak in bad words with each other, especially with me. I want to help create a world without war, as this is the best way to build the world.**

## Questions

- 1- داستان راجع به چه کسی است؟
- 2- او اهل چه کشوری است؟
- 3- او اهل چه شهری است؟
- 4- او چه چیزی را در مورد شهر / کشور خود دوست دارد؟
- 5- او چه زمانی به کانادا آمد؟
- 6- آیا او خوشحال است؟ چرا؟
- 7- آیا او ناراحت است؟ چرا؟
- 8- او درباره کانادا چه می گوید؟
- 9- او تصمیم دارد در آینده چه کاری انجام دهد؟
1. Who is the story about?
2. What country is he/she from?
3. What city is he/she from?
4. What does he/she like about her city/ country?
5. When did he/she come to Canada?
6. Is he/she happy? Why?
7. Is he/she sad? Why?
8. What does he/she say about Canada?
9. What does he/she want to do in the future?



dia.space



@dia\_space  
#storiesofus  
#deptimaginary



/deptimaginaryaffairs